

## تبیین تأثیر عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری در نظام‌های آموزشی معاصر

شیوه استناددهی: نیکسیرت، پویان. مشخصات نویسندگان:

(۱۴۰۴). تبیین تأثیر عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری در نظام‌های آموزشی معاصر. یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم، ۲(۲)، ۹-۱. پویان نیکسیرت\*: گروه برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

\*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: p.niksirat81@gmail.com

### چکیده

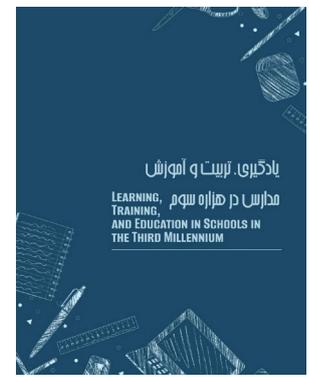
هدف این پژوهش، تبیین نقش عدالت آموزشی در کاهش شکاف‌های یادگیری و شناسایی سازوکارهای مؤثر آن در نظام‌های آموزشی معاصر است. این مطالعه از نوع مروری کیفی و با رویکرد تبیینی-تحلیلی انجام شد. داده‌ها صرفاً از طریق مرور نظام‌مند متون و اسناد علمی معتبر داخلی و بین‌المللی گردآوری گردید. ۱۵ مقاله علمی بر اساس معیارهای شمول، با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و تحلیل آن‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۴ انجام شد. نتایج نشان داد عدالت آموزشی از طریق توزیع عادلانه منابع، ارتقای کیفیت تدریس، تقویت رهبری آموزشی، حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و توسعه محیط‌های یادگیری فراگیر، به‌طور معناداری موجب کاهش شکاف‌های یادگیری می‌شود. همچنین نقش عوامل اجتماعی مانند مشارکت خانواده، سرمایه فرهنگی و حمایت جامعه محلی در تعدیل نابرابری‌های آموزشی برجسته شد. پیامدهای تحقق عدالت آموزشی شامل بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش انگیزش، کاهش ترک تحصیل و ارتقای سرمایه انسانی است. عدالت آموزشی به‌عنوان راهبردی کلیدی و پایدار می‌تواند بنیان کاهش نابرابری‌های یادگیری و ارتقای کیفیت آموزش را در نظام‌های آموزشی معاصر فراهم سازد و نیازمند توجه هم‌زمان به ابعاد ساختاری، مدرسه‌ای و اجتماعی است.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، شکاف‌های یادگیری، برابری فرصت‌های آموزشی، کیفیت یادگیری، نظام آموزشی معاصر.

Submit Date: 26 March 2025  
Revise Date: 30 April 2025  
Accept Date: 06 May 2025  
Publish Date: 21 May 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.



## Explaining the Impact of Educational Equity on Reducing Learning Gaps in Contemporary Education Systems

**How to cite:** Niksirat, P. (2025). Explaining the Impact of Educational Equity on Reducing Learning Gaps in Contemporary Education Systems. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium*, 2(2), 1-9.

### Authors' Information:

1. Pouyan Niksirat\*: Department of Educational Planning, University of Urmia, Urmia, Iran

Corresponding author's email: p.niksirat81@gmail.com

### Abstract

This study aims to explain the role of educational equity in reducing learning gaps and to identify its key mechanisms in contemporary education systems. This qualitative review adopted an interpretive–analytical approach based exclusively on systematic literature review. Fifteen peer-reviewed articles were selected through purposive sampling according to predefined inclusion criteria, and analysis continued until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using qualitative content analysis with open, axial, and selective coding supported by NVivo 14 software. The findings indicate that educational equity significantly reduces learning gaps through fair resource distribution, improvement of teaching quality, effective educational leadership, targeted support for vulnerable students, and the development of inclusive learning environments. Social factors such as family participation, cultural capital, and community support were also identified as critical moderators of educational inequality. Key outcomes of educational equity include improved academic achievement, enhanced student motivation, reduced dropout rates, and strengthened human capital development. Educational equity constitutes a central and sustainable strategy for reducing learning disparities and improving educational quality in contemporary education systems, requiring integrated attention to structural, school-level, and social dimensions.

**Keywords:** *Educational equity, learning gaps, equal educational opportunities, learning quality, contemporary education systems.*

## مقدمه

عدالت آموزشی در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم راهبردی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام‌های آموزشی معاصر مطرح شده است و تقریباً تمامی اسناد بالادستی آموزشی، گزارش‌های بین‌المللی و پژوهش‌های تربیتی بر نقش تعیین‌کننده آن در تحقق توسعه پایدار، انسجام اجتماعی و کاهش نابرابری‌های ساختاری تأکید دارند. در جهانی که آموزش به‌مثابه موتور اصلی تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی و شکوفایی سرمایه انسانی شناخته می‌شود، استمرار شکاف‌های یادگیری میان گروه‌های اجتماعی، مناطق جغرافیایی و طبقات اقتصادی به یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. شکاف‌های یادگیری که در قالب تفاوت‌های معنادار در عملکرد تحصیلی، سطح مهارت‌ها، دسترسی به فرصت‌های آموزشی و کیفیت یادگیری بروز می‌یابد، نه تنها آینده تحصیلی دانش‌آموزان بلکه مسیر توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (OECD, ۲۰۱۹). از این رو، عدالت آموزشی به‌عنوان راهبردی کلیدی برای کاهش این شکاف‌ها، در کانون توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی قرار گرفته است.

مطالعات گسترده نشان می‌دهد که نابرابری‌های آموزشی از سنین پایین شکل می‌گیرند و در صورت عدم مداخله مؤثر، در طول مسیر تحصیلی تشدید می‌شوند. کودکان متعلق به خانواده‌های کم‌درآمد، مناطق محروم یا گروه‌های اجتماعی به‌حاشیه‌رانده شده، معمولاً با محدودیت‌هایی در دسترسی به منابع آموزشی، معلمان توانمند، محیط‌های یادگیری غنی و حمایت‌های اجتماعی مواجه هستند که این عوامل به‌صورت زنجیره‌ای موجب تضعیف پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود (Reardon, ۲۰۱۹). این شکاف‌ها نه تنها در نتایج تحصیلی بلکه در سطح مهارت‌های شناختی، انگیزشی و اجتماعی نیز انعکاس می‌یابد و در نهایت به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی در بزرگسالی منجر می‌گردد (Hanushek & Woessmann, ۲۰۲۰). در چنین بستری، عدالت آموزشی فراتر از مفهوم برابری صوری در دسترسی به آموزش مطرح می‌شود و بر فراهم‌سازی فرصت‌های متناسب با نیازهای متفاوت یادگیرندگان تأکید می‌کند تا همه دانش‌آموزان امکان دستیابی به نتایج یادگیری مطلوب را داشته باشند (UNESCO, ۲۰۲۰).

عدالت آموزشی مفهومی چندبعدی است که ابعاد ساختاری، نهادی، اجتماعی و پداگوژیکی را در بر می‌گیرد. در بعد ساختاری، توزیع نابرابر منابع مالی، تفاوت در کیفیت زیرساخت‌های آموزشی، نابرابری در دسترسی به فناوری و کمبود نیروی انسانی متخصص از مهم‌ترین عوامل ایجاد شکاف‌های یادگیری محسوب می‌شوند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد نظام‌های آموزشی که در آن‌ها سرانه هزینه‌های آموزشی به‌طور ناعادلانه میان مدارس و مناطق توزیع می‌شود، شاهد تفاوت‌های معنادار در کیفیت یادگیری و عملکرد تحصیلی هستند (Darling-Hammond, ۲۰۱۷). در مقابل، کشورهایی که سرمایه‌گذاری هدفمند بر مدارس محروم، توزیع متوازن معلمان توانمند و توسعه زیرساخت‌های آموزشی را در اولویت سیاست‌های خود قرار داده‌اند، توانسته‌اند شکاف‌های تحصیلی را به‌طور چشمگیری کاهش دهند (OECD, ۲۰۱۸).

در سطح مدرسه، عدالت آموزشی به‌صورت عملیاتی در قالب کیفیت تدریس، رهبری آموزشی، برنامه‌های درسی منعطف، نظام‌های ارزشیابی منصفانه و حمایت هدفمند از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر متجلی می‌شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد کیفیت معلمان یکی از قوی‌ترین عوامل

مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است و توزیع نابرابر معلمان توانمند به تشدید شکاف‌های یادگیری منجر می‌شود (Hattie, ۲۰۱۸). همچنین مدیریت مدرسه‌ای که مبتنی بر رهبری مشارکتی، شفافیت و تصمیم‌گیری منصفانه باشد، می‌تواند فضای یادگیری را به محیطی فراگیر و حمایتی تبدیل کند که در آن همه دانش‌آموزان فرصت رشد و شکوفایی داشته باشند (Fullan, ۲۰۲۰). از سوی دیگر، برنامه‌های درسی که با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی، زمینه‌های فرهنگی و نیازهای متنوع یادگیرندگان طراحی می‌شوند، به افزایش انگیزش تحصیلی و بهبود کیفیت یادگیری کمک شایانی می‌کنند (Tomlinson, ۲۰۱۷).

ابعاد اجتماعی عدالت آموزشی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش شکاف‌های یادگیری ایفا می‌کنند. سرمایه فرهنگی خانواده، سطح تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، مشارکت خانواده در فرایند یاددهی-یادگیری و حمایت جامعه محلی همگی از عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان هستند (Bourdieu, ۱۹۸۶; Coleman, ۱۹۸۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که از محیط خانوادگی حمایتی، منابع فرهنگی غنی و شبکه‌های اجتماعی قوی برخوردارند، در مقایسه با همسالان خود در شرایط محروم، عملکرد تحصیلی بالاتری را تجربه می‌کنند (Putnam, ۲۰۱۵). علاوه بر این، نظام‌های آموزشی که به تنوع فرهنگی احترام می‌گذارند و آموزش چندفرهنگی را ترویج می‌کنند، توانسته‌اند مشارکت تحصیلی گروه‌های مختلف اجتماعی را افزایش داده و شکاف‌های یادگیری را کاهش دهند (Banks, ۲۰۱۶).

پیامدهای تحقق عدالت آموزشی فراتر از بهبود عملکرد تحصیلی کوتاه‌مدت است و آثار بلندمدت آن در قالب کاهش نرخ ترک تحصیل، افزایش مشارکت اجتماعی، ارتقای سرمایه انسانی و تقویت انسجام اجتماعی نمایان می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در سیاست‌های عدالت‌محور آموزشی به افزایش بازده اقتصادی آموزش و کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از فقر، بیکاری و نابرابری منجر می‌شود (Hanushek & Woessmann, ۲۰۲۰). از منظر روان‌شناختی نیز عدالت آموزشی با افزایش خودکارآمدی، انگیزش تحصیلی و احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه همراه است که این عوامل به صورت غیرمستقیم کیفیت یادگیری و پایداری موفقیت تحصیلی را ارتقا می‌دهند (Hattie, ۲۰۱۸; Reardon, ۲۰۱۹).

با وجود اجماع گسترده بر اهمیت عدالت آموزشی، بسیاری از نظام‌های آموزشی معاصر همچنان با چالش‌های جدی در تحقق آن مواجه هستند. جهانی‌شدن، گسترش فناوری‌های نوین، تحولات اقتصادی و تغییرات جمعیتی، الگوهای جدیدی از نابرابری آموزشی را پدید آورده‌اند که سیاست‌گذاری سنتی قادر به پاسخگویی کامل به آن‌ها نیست (OECD, ۲۰۲۰). از این رو، بازاندیشی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و رویکردهای اجرایی عدالت آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی نظام‌مند پژوهش‌های پیشین و تبیین سازوکارهای تأثیر عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری می‌تواند چارچوبی نظری و کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی و پژوهشگران فراهم سازد تا بر اساس شواهد علمی، راهبردهای مؤثرتری برای تحقق عدالت آموزشی طراحی و اجرا نمایند.

در این راستا، مقاله حاضر با رویکرد مروری و تحلیل کیفی، می‌کوشد با تلفیق یافته‌های پژوهش‌های معتبر داخلی و بین‌المللی، ابعاد مختلف عدالت آموزشی و نقش آن در کاهش شکاف‌های یادگیری را به صورت نظام‌مند تبیین نماید و تصویری جامع از پیوند میان عدالت آموزشی، کیفیت یادگیری و توسعه سرمایه انسانی در نظام‌های آموزشی معاصر ارائه دهد.

## روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری کیفی با رویکرد تبیینی-تحلیلی است که با هدف تبیین سازوکارهای تأثیر عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری در نظام‌های آموزشی معاصر انجام شده است. این مطالعه بر اساس پارادایم تفسیری و با اتکا بر تحلیل عمیق داده‌های متنی استخراج‌شده از پژوهش‌های پیشین طراحی گردید و تمرکز آن بر شناسایی الگوها، مفاهیم و مؤلفه‌های کلیدی عدالت آموزشی و پیامدهای آن در کاهش نابرابری‌های یادگیری بوده است.

در این پژوهش، جامعه مورد بررسی شامل کلیه مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و مطالعات معتبر منتشرشده در حوزه عدالت آموزشی و شکاف‌های یادگیری طی سال‌های اخیر در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر علمی بین‌المللی و منطقه‌ای بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس معیارهای ورود شامل ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، کیفیت علمی، دسترسی به متن کامل و برخورداری از چارچوب نظری روشن، تعداد ۱۵ مقاله واجد شرایط برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. فرایند انتخاب منابع تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت، به‌گونه‌ای که تحلیل مقالات جدید منجر به ظهور مفاهیم تازه‌ای در چارچوب مفهومی پژوهش نشد و تکرار مضامین اصلی مشاهده گردید.

گردآوری داده‌ها به‌صورت کامل مبتنی بر مرور نظام‌مند متون و اسناد علمی انجام گرفت. در این مرحله، متون منتخب چندین بار مطالعه عمیق شدند و واحدهای معنایی مرتبط با ابعاد عدالت آموزشی، انواع شکاف‌های یادگیری، عوامل ساختاری و سیاستی مؤثر، و پیامدهای آموزشی استخراج گردید. تمامی متون در نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۴ وارد شده و به‌عنوان داده‌های خام کیفی مورد پردازش قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و رویکرد کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در مرحله نخست، کدهای اولیه از دل داده‌ها استخراج شدند؛ سپس این کدها بر اساس شباهت‌های مفهومی در قالب مقوله‌های میانی سامان‌دهی گردیدند. در نهایت، با تلفیق مقوله‌ها، مضامین اصلی پژوهش که نشان‌دهنده سازوکارهای تأثیر عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری بودند، شناسایی و صورت‌بندی نظری شدند. فرایند تحلیل به‌صورت مستمر و رفت‌وبرگشتی انجام شد تا از انسجام درونی، غنای مفهومی و دستیابی به اشباع نظری اطمینان حاصل گردد.

به‌منظور افزایش اعتبار یافته‌ها، از بازبینی مکرر داده‌ها، مقایسه مستمر مفاهیم استخراج‌شده و کنترل درونی فرایند کدگذاری استفاده شد. همچنین، تمامی مراحل تحلیل با ثبت دقیق فرایندهای تصمیم‌گیری پژوهشی در نرم‌افزار NVivo مستندسازی گردید تا قابلیت پیگیری و اطمینان‌پذیری پژوهش تضمین شود.

## یافته‌ها

عدالت ساختاری در نظام آموزشی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین پیش‌نیازهای کاهش شکاف‌های یادگیری، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین برابری فرصت‌های آموزشی برای همه فراگیران ایفا می‌کند و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که توزیع نابرابر منابع، تفاوت در کیفیت زیرساخت‌های آموزشی، سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ و دسترسی نابرابر به آموزش از مهم‌ترین عوامل بازتولید نابرابری‌های یادگیری هستند؛ هنگامی که

منابع مالی، تجهیزات آموزشی، نیروی انسانی متخصص و امکانات فناورانه به صورت متوازن و هدفمند میان مدارس توزیع شود، به ویژه در مناطق محروم، شرایط یادگیری بهبود می یابد و شکاف های عملکرد تحصیلی کاهش پیدا می کند، در حالی که فقدان چنین توزیعی موجب تقویت چرخه فقر آموزشی و استمرار نابرابری های تحصیلی می شود (UNESCO, ۲۰۲۰; OECD, ۲۰۱۸). سیاست های جبرانی، برنامه های حمایتی دولتی و قوانین ضد تبعیض آموزشی می توانند از طریق تخصیص هدفمند بودجه، حمایت مالی از دانش آموزان کم برخوردار و ایجاد سازوکارهای نظارتی منسجم، به تحقق عدالت آموزشی ساختاری کمک کنند و زمینه را برای دسترسی برابر همه دانش آموزان به فرصت های یادگیری فراهم سازند (Reardon, ۲۰۱۹). شواهد تجربی نشان می دهد نظام هایی که در آن ها سرانه آموزشی عادلانه تر توزیع می شود و سرمایه گذاری در زیرساخت های آموزشی مناطق محروم در اولویت قرار می گیرد، به طور معناداری کاهش شکاف های تحصیلی و افزایش سطح عملکرد تحصیلی دانش آموزان را تجربه می کنند و این امر تأییدی بر نقش محوری عدالت ساختاری در بهبود پیامدهای آموزشی است (Darling-Hammond, ۲۰۲۰; Hanushek & Woessmann, ۲۰۱۷).

عدالت آموزشی در سطح مدرسه به مثابه سطح عملیاتی تحقق عدالت ساختاری، دربردارنده مؤلفه هایی همچون شایستگی حرفه ای معلمان، مدیریت منصفانه، برنامه درسی منعطف، حمایت هدفمند از دانش آموزان آسیب پذیر، محیط یادگیری فراگیر و ارزشیابی منصفانه است که مجموع آن ها بستر تحقق یادگیری عادلانه را فراهم می سازد؛ پژوهش ها تأکید دارند توزیع نابرابر معلمان توانمند، ضعف رهبری آموزشی و فقدان برنامه های جبرانی در مدارس محروم، یکی از مهم ترین دلایل تداوم شکاف های یادگیری است (Sahlberg, ۲۰۱۵; Hattie, ۲۰۱۸). هنگامی که مدارس از رهبری مشارکتی، تصمیم گیری شفاف و سیاست های حمایتی بهره می گیرند و معلمان از آموزش های ضمن خدمت مؤثر و فرصت های توسعه حرفه ای برخوردارند، کیفیت تدریس افزایش یافته و دانش آموزان به ویژه در گروه های آسیب پذیر، پیشرفت تحصیلی پایدارتری را تجربه می کنند (Fullan, ۲۰۲۰; Darling-Hammond et al., ۲۰۲۰). همچنین برنامه های درسی منعطف که متناسب با تفاوت های فردی، زمینه های فرهنگی و نیازهای یادگیرندگان طراحی می شوند، همراه با نظام های ارزشیابی منصفانه و بدون سوگیری، می توانند انگیزش تحصیلی را افزایش داده و از بازتولید نابرابری های آموزشی جلوگیری نمایند (Tomlinson, ۲۰۱۷; Black & Wiliam, ۲۰۱۸).

ابعاد اجتماعی عدالت آموزشی نشان می دهد که شکاف های یادگیری صرفاً محصول عوامل مدرسه ای نیستند بلکه به شدت تحت تأثیر زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارند و کاهش این شکاف ها مستلزم مداخلات گسترده اجتماعی است؛ نابرابری های طبقاتی، سرمایه فرهنگی متفاوت خانواده ها، سطح مشارکت والدین، حمایت جامعه محلی، حساسیت فرهنگی نظام آموزشی و عدالت جنسیتی همگی در شکل دهی فرصت های یادگیری نقش دارند (Bourdieu, ۱۹۸۶; Coleman, ۱۹۸۸; OECD, ۲۰۱۹). مطالعات نشان می دهد دانش آموزانی که از حمایت خانواده و جامعه برخوردارند، دسترسی بیشتری به منابع یادگیری دارند و از سرمایه اجتماعی غنی تری بهره می برند، در مقایسه با همسالان خود در شرایط محروم، عملکرد تحصیلی بالاتری را تجربه می کنند (Putnam, ۲۰۱۵; Reardon, ۲۰۱۹). علاوه بر این، نظام های آموزشی که به تنوع فرهنگی احترام می گذارند، آموزش چندفرهنگی را تقویت می کنند و سیاست های حساس به جنسیت را اجرا می نمایند،

توانسته‌اند به‌طور معناداری شکاف‌های یادگیری را کاهش داده و عدالت آموزشی را در سطح کلان اجتماعی محقق سازند ( Banks, ۲۰۱۶; UNESCO, ۲۰۲۰).

پیامدهای عدالت آموزشی بر کاهش شکاف‌های یادگیری در سطوح فردی و نظام‌مند به‌وضوح در شاخص‌هایی نظیر بهبود عملکرد تحصیلی، کاهش فاصله آموزشی میان مناطق، افزایش انگیزش تحصیلی، ارتقای کیفیت یادگیری، کاهش نابرابری دستاوردها، پایداری موفقیت تحصیلی و توسعه سرمایه انسانی قابل مشاهده است؛ شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری هدفمند در سیاست‌های عدالت‌محور آموزشی نه تنها موجب ارتقای نتایج تحصیلی کوتاه‌مدت می‌شود بلکه آثار بلندمدت آن در قالب کاهش نرخ ترک تحصیل، افزایش مشارکت اجتماعی و ارتقای توانمندی‌های شغلی نسل آینده نمایان می‌گردد (OECD, ۲۰۲۰; Hanushek & Woessmann, ۲۰۲۰). هنگامی که دانش‌آموزان فرصت‌های یادگیری عادلانه دریافت می‌کنند، سطح خودکارآمدی و انگیزش آن‌ها افزایش یافته و یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر شکل می‌گیرد که این خود به کاهش شکاف نمرات و همگرایی دستاوردهای آموزشی منجر می‌شود (Reardon, ۲۰۱۹; Hattie, ۲۰۱۸). در نهایت، عدالت آموزشی نه تنها یک الزام اخلاقی بلکه راهبردی اساسی برای توسعه پایدار نظام‌های آموزشی و ارتقای سرمایه انسانی در جوامع معاصر محسوب می‌شود (UNESCO, ۲۰۲۰; Fullan, ۲۰۲۰).

## بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه مروری نشان داد که عدالت آموزشی به‌صورت معناداری با کاهش شکاف‌های یادگیری در نظام‌های آموزشی معاصر ارتباط دارد و این ارتباط در سطوح ساختاری، مدرسه‌ای و اجتماعی به‌طور هم‌زمان عمل می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل کیفی منابع نشان می‌دهد هرگاه سیاست‌های آموزشی بر توزیع عادلانه منابع، تقویت کیفیت تدریس، حمایت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و توسعه محیط‌های یادگیری فراگیر متمرکز شده‌اند، شکاف‌های تحصیلی میان گروه‌های اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی به‌طور چشمگیری کاهش یافته است. این یافته‌ها با گزارش‌های بین‌المللی هم‌راستا است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری هدفمند در مدارس محروم و طراحی سیاست‌های عدالت‌محور آموزشی، از مهم‌ترین عوامل بهبود عملکرد تحصیلی و همگرایی نتایج یادگیری است (UNESCO, ۲۰۲۰; OECD, ۲۰۱۸). به‌ویژه شواهد نشان می‌دهد کشورهایی که توزیع منابع آموزشی را بر اساس نیاز واقعی دانش‌آموزان و مناطق تنظیم کرده‌اند، در مقایسه با نظام‌هایی که صرفاً بر برابری صوری تأکید داشته‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند (Reardon, ۲۰۱۹).

نتایج این مطالعه همچنین نشان داد کیفیت معلمان و مدیریت مدرسه نقش کلیدی در تحقق عدالت آموزشی و کاهش شکاف‌های یادگیری ایفا می‌کند. مدارس برخوردار از معلمان توانمند، رهبری مشارکتی و نظام‌های ارزشیابی منصفانه، توانسته‌اند عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان محروم را به سطح دانش‌آموزان برخوردار نزدیک کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های هتی (۲۰۱۸) همخوان است که کیفیت تدریس را قوی‌ترین عامل مدرسه‌ای مؤثر بر پیشرفت تحصیلی معرفی می‌کند. همچنین یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که رهبری آموزشی اثربخش و ایجاد فرهنگ مدرسه‌ای مبتنی بر حمایت و مشارکت، می‌تواند انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش داده و چرخه نابرابری‌های آموزشی

را تضعیف کند (Fullan, ۲۰۲۰). این نتایج نشان می‌دهد که عدالت آموزشی صرفاً در سطح سیاست‌گذاری کلان محقق نمی‌شود بلکه تحقق آن به شدت وابسته به عملکرد روزمره مدارس و تعاملات آموزشی است.

در بعد اجتماعی، یافته‌های پژوهش نشان داد شکاف‌های یادگیری ریشه‌های عمیق اجتماعی دارند و بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی قابل مهار نیستند. سرمایه فرهنگی خانواده، سطح تحصیلات والدین و حمایت اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت تحصیلی ایفا می‌کند و این امر با نظریه سرمایه فرهنگی بورديو (۱۹۸۶) و نظریه سرمایه اجتماعی کلمن (۱۹۸۸) همخوانی دارد. پژوهش حاضر نشان داد برنامه‌هایی که مشارکت خانواده‌ها را تقویت می‌کنند و خدمات حمایتی اجتماعی برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار فراهم می‌سازند، در کاهش فاصله عملکرد تحصیلی بسیار مؤثرند؛ نتیجه‌ای که با یافته‌های پاتنام (۲۰۱۵) و ریردن (۲۰۱۹) هم‌راستا است. همچنین توجه به تنوع فرهنگی و اجرای آموزش چندفرهنگی در مدارس، به افزایش مشارکت تحصیلی گروه‌های اجتماعی مختلف و کاهش شکاف‌های یادگیری منجر شده است؛ موضوعی که در پژوهش بنکس (۲۰۱۶) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد پیامدهای عدالت آموزشی محدود به بهبود نمرات و عملکرد تحصیلی نیست، بلکه به افزایش انگیزش تحصیلی، ارتقای کیفیت یادگیری، کاهش نرخ ترک تحصیل و توسعه سرمایه انسانی منجر می‌شود. این نتایج با مطالعات هانوشک و وسمن (۲۰۲۰) همخوان است که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در سیاست‌های عدالت‌محور آموزشی بازده اقتصادی و اجتماعی بالایی دارد. همچنین نتایج نشان داد که عدالت آموزشی با تقویت احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه و افزایش خودکارآمدی تحصیلی، زمینه شکل‌گیری یادگیری پایدار و موفقیت بلندمدت تحصیلی را فراهم می‌کند (Hattie, ۲۰۱۸; Reardon, ۲۰۱۹). به این ترتیب، عدالت آموزشی به‌عنوان یک راهبرد توسعه‌ای، هم بر کیفیت آموزش و هم بر انسجام اجتماعی اثرگذار است.

محدودیت اصلی این مطالعه آن است که داده‌ها صرفاً از منابع کتابخانه‌ای و مطالعات پیشین استخراج شده و امکان بررسی میدانی تجربی در سطوح مختلف نظام آموزشی وجود نداشته است؛ بنابراین یافته‌ها متکی بر تحلیل تفسیرشده نتایج پژوهش‌های دیگر است و ممکن است همه پیچیدگی‌های بسترهای آموزشی گوناگون را به‌طور کامل منعکس نکند. همچنین تمرکز منابع مورد بررسی عمدتاً بر نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه‌یافته بوده و این موضوع می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی را محدود کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی و داده‌های میدانی، به بررسی تجربی سازوکارهای تحقق عدالت آموزشی در سطوح مختلف مدرسه و جامعه بپردازند و نقش سیاست‌های جبرانی، رهبری آموزشی و مشارکت خانواده را در کاهش شکاف‌های یادگیری به‌صورت طولی و مقایسه‌ای تحلیل کنند. همچنین مطالعات آینده می‌توانند اثر فناوری‌های نوین آموزشی را در تحقق عدالت آموزشی و کاهش نابرابری‌های یادگیری بررسی نمایند.

از نظر عملی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی باید عدالت آموزشی را به‌عنوان محور اصلی برنامه‌ریزی آموزشی در نظر گیرند و توزیع منابع را بر اساس نیاز واقعی مدارس و دانش‌آموزان تنظیم کنند. تقویت آموزش حرفه‌ای معلمان، حمایت از

مدارس محروم، گسترش مشارکت خانواده و توسعه برنامه‌های آموزشی فراگیر می‌تواند به‌طور مؤثری شکاف‌های یادگیری را کاهش داده و مسیر تحقق نظام آموزشی عادلانه و پایدار را هموار سازد.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

## تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

## References

- Banks, J. A. (2016). Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching (6th ed.). Routledge.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. 241–258). Greenwood.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. American Journal of Sociology, 94, S95–S120.
- Darling-Hammond, L. (2017). Teaching for social justice: Resources, relationships, and anti-racist practice. Teachers College Press.
- Fullan, M. (2020). Leading in a culture of change (2nd ed.). Jossey-Bass.
- Hanushek, E. A., & Woessmann, L. (2020). The economic benefits of improving educational achievement. OECD Publishing.
- Hattie, J. (2018). Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement. Routledge.
- OECD. (2018). Equity in education: Breaking down barriers to social mobility. OECD Publishing.
- OECD. (2019). PISA 2018 results: Where all students can succeed. OECD Publishing.
- OECD. (2020). Education at a glance 2020. OECD Publishing.
- Putnam, R. D. (2015). Our kids: The American dream in crisis. Simon & Schuster.
- Reardon, S. F. (2019). Educational opportunity in early and middle childhood: Patterns and consequences. RSF: The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences, 5(2), 10–40.
- Tomlinson, C. A. (2017). How to differentiate instruction in academically diverse classrooms (3rd ed.). ASCD.
- UNESCO. (2020). Global education monitoring report 2020: Inclusion and education: All means all. UNESCO Publishing.